View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ از خیابانِ زمستان ۱۴۰۴ چه درسی باید گرفت؟

محمد ضرغامی

۰۲/آذر/۱۴۰۵



صحنه‌ای از اعتراض‌های دی‌ماه ۱۴۰۴

خیابان تا پیش از جنگ ۴۰روزه، صحنه حضور و بروز معترضان بود؛ اعتراض‌هایی که فاصله میان رخ دادن آن‌ها روزبه‌روز کمتر می‌شد.

اما کالبد شهرهای زخم‌خورده از جنگ، مدت‌هاست از اعتراض فاصله گرفته است؛ نه فقط به دلیل خشونت‌های مرگبار زمستان ۱۴۰۴، بلکه به این دلیل که فضای ظهور و امکان حضور جمعی نیز روزبه‌روز تنگ‌تر شده است.

وقتی معترضان بار دیگر به خیابان آمدند، این حضور با آنچه پیش‌تر از خیابان انتظار می‌رفت تفاوت داشت. گویی آنچه از این حضور باقی ماند، بیش از آن‌که امتداد یک رخداد سیاسی باشد، به خبری برای

بازتاب در رسانه‌ها تبدیل شد و نیروهای سیاسی نیز دیگر به همان ضرب‌آهنگ خیابان پاسخ نمی‌دادند. این فاصله، پرسش‌هایی را درباره نسبت خیابان با کنشگران اجتماعی، نیروهای سیاسی و امکان تغییر برجسته کرده است.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، نازیلا گلستان، کنشگر سیاسی و روزنامه‌نگار تحقیقی در حوزهٔ ژئوپولیتیک از فرانسه همراه با احمد پورمندی تحلیل‌گر مسائل ایران و از اعضای مجمع کنگره آزادی ایران از آلمان به این موضوع پرداخته‌اند.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

خیابان؛ کانون اعتراض یا میدان منازعه سیاسی

نازیلا گلستان در توضیح جایگاه خیابان در تحولات سیاسی ایران، آن را فضایی برای کنش جمعی و پیوند مطالبات اجتماعی می‌داند؛ فضایی که پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» اهمیت بیشتری پیدا کرد و حکومت کوشید صدای آن را خاموش کند.

از نگاه او، آنچه در دی‌ماه ۱۴۰۴ در خیابان‌های ایران گذشت را نمی‌توان جدا از این تجربه و پیامدهای آن بررسی کرد.

با این‌حال خانم گلستان می‌گوید، جریان سلطنت‌طلب به رهبری شاهزاده رضا پهلوی، با پیوند زدن خود به دولت اسرائیل و حمایت از جنگ، به گفتهٔ او در مسیر اعتراض‌های مردمی اختلال ایجاد کرده و عاملیت سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار داده است.

«چرا ۵۷ شد دی‌ماه نشد؟»

احمد پورمندی نیز خیابان را یکی از عرصه‌های مبارزه می‌داند، اما تأکید می‌کند که خیابان به‌تنهایی و بدون پشتیبانی بخش‌های دیگر جامعه نمی‌تواند به تغییر پایدار منجر شود.

آقای پورمندی با رجوع به تجربهٔ انقلاب بهمن ۵۷ می‌گوید، تظاهرات گسترده آن دوره در پیوند با اعتصاب‌های بازار، صنعت نفت و مطبوعات و همچنین مذاکرات سیاسی شکل گرفت. خیابان در آن مقطع زمانی قدرت واقعی خود را نشان داد که شکاف درون حکومت و اعلام بی‌طرفی ارتش نیز شرایط را برای حضور مردم فراهم کرده بود.

او معتقد است در دی‌ماه ۱۴۰۴ چنین پشتوانه‌ای وجود نداشت؛ نه اعتصاب‌های مؤثری شکل گرفته بود و نه زمینه‌ای برای گفت‌وگو و تضمین امنیت معترضان فراهم بود. در چنین شرایطی، حکومت آمادگی سرکوب داشت و فراخوان تصرف مراکز حکومتی در روزهای ۲۰ و ۲۱ دی، از نظر او، خطایی جدی بود.

خیابان و شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی

نازیلا گلستان نیز این تبلیغات را بخشی از فضایی می‌داند که در آن برخی جریان‌های نومحافظه‌کار آمریکایی، راست افراطی اسرائیل و تندروهای ایرانی، از جمله بخش‌هایی از اپوزیسیون و سلطنت‌طلبان، در ایجاد انتظارات غیرواقعی نقش داشتند و معتقد است، چنین رویکردهایی می‌تواند معترضان را به مسیری پرهزینه بکشاند.

احمد پورمندی نیز با اشاره به تجربه‌هایی که حکومت از تجربه‌های اعتراضی گذشته گرفته، می‌گوید: در «جنبش سبز»، حضور میلیونی مردم و برخی پیوندهای موجود درون ساختار حکومت امکان برگزاری راهپیمایی‌های گسترده را فراهم کرد، اما در جنبش «زن، زندگی، آزادی» حکومت حتی به خانه‌ها و فضاهای خصوصی شهروندان نیز تعرض کرد تا امکان هرگونه حضور اعتراضی را از بین ببرد.

«مسئلهٔ تغییر، جابه‌جایی تاج و عمامه نیست»

نازیلا گلستان، در مقابل، تحولات اجتماعی پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» را نشانهٔ انسداد سیاسی نمی‌داند، بلکه آن را حاصل دگرگونی جامعه ایران می‌داند؛ جامعه‌ای که دیگر پذیرای رهبری فردی و ایدئولوژیک نیست.

خانم گلستان بر ضرورت شکل‌گیری ائتلاف‌های فراگیر مدنی و سیاسی تأکید کرده و می‌گوید، تغییر نظام سیاسی، بدون تحول در ساختار و شیوه حکمرانی، لزوماً به دموکراسی منجر نمی‌شود؛ چراکه جایگزینی تاج با عمامه یا برعکس، به‌تنهایی آزادی به ارمغان نمی‌آورد.

حکومت چگونه خیابان را به تصرف خود درآورد؟

احمد پورمندی معتقد است حکومت دیگر صرفاً پس از پایان اعتراض‌ها نیروهای خود را برای نمایش قدرت به خیابان نمی‌فرستد، بلکه به شکلی مستمر و با صرف هزینه و سازمان‌دهی، خیابان‌های شهرهای بزرگ و کوچک را در اختیار گرفته است. از نظر او حکومت از احساسات ملی و میهنی برآمده از جنگ هم برای تثبیت این حضور استفاده کرده است.

اما آقای پورمندی معتقد است در جریان اعتراض‌های دی‌ماه ۱۴۰۴، نباید مسئولیت را تنها متوجه حکومت و اپوزیسیون کرد.

او به بخشی از جامعه اشاره می‌کند که در آن مقطع انتظار حمله خارجی را داشتند و تصور می‌کردند مداخله خارجی می‌تواند مسیر تحولات را تغییر دهد.

آقای پورمندی می‌گوید اپوزیسیون باید درباره شکل‌گیری چنین وضعیتی پاسخ‌گو باشد و بررسی کند چرا نتوانست در برابر تبلیغات رسانه‌ای و وعده‌های مداخله خارجی، صدای مستقلی ایجاد کند.

از خیابان تا گفت‌وگو؛ جست‌وجوی راهی برای تغییر

نازیلا گلستان راه برون‌رفت را در شکل‌گیری جایگزینی فراگیر، مستقل و متکی بر نیروهای داخل کشور می‌بیند که بتواند زمینه گفت‌وگوی ملی را فراهم کند. او نقش ایرانیان خارج از کشور را بازتاب صدای مردم، نه دعوت به جنگ یا اتکا به دولت‌های خارجی، می‌داند و بر مطالباتی چون حفظ پرچم ایران، آزادی زندانیان سیاسی و دسترسی آزاد به اینترنت پافشاری می‌کند.

احمد پورمندی نیز درس‌گرفتن از جنبش‌های پیشین، سازمان‌دهی خیابان و برخورداری از پشتیبانی اجتماعی را ضروری می‌داند. او نسبت به فراخوان‌های بی‌پشتوانه و تبدیل خیابان به میدان رویارویی هشدار داده است.

به گفته آقای پورمندی، پرهیز از برخورد تنگ‌نظرانه با فرصت‌های گفت‌وگو در ساختار قدرت برای کاهش هزینه‌های مبارزه، امروز یک ضرورت است.

این مطلب بخشی از:

ایران | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.